

لوبیا و پیاز



میثم سعادت

روزنامه‌نگار

من از بچگی خیلی دوست داشتم یک گاو داشتم که می‌فروختمش و یک جادوگری به من سه تا لوبیا می‌داد و بعد، آن لوبیا تبدیل به درخت می‌شد و بالای درخت، غول بود و من را از این وضعیت اقتصادی به خوبی و خوشی می‌رساند. منتها نه گاو داشتم، نه باغچه و نه از درخت بالا رفتن بلد بودم. یکبار هم مرحوم پدرم به من گفت، خوشبختی یعنی همین جای دیش. حالا نمی‌دانم منظورش کدام جای دیش بود. علی‌احمال رابطه من و لوبیا از همان بچگی خوب بود. از لوبیاپلو گرفته تا خوراک لوبیا و در مقابل بهشت از پیاز و بوی پیاز و هر چیزی که اثری از پیاز داشت، بدم می‌آمد.

این همه در مدح لوبیا نوشتیم که بگویم، تصور کنید چند شب پیش که دوست عزیزم برایم خوراک جانانه لوبیا پخته بود، چه بر سر خودم آوردم که در نهایت کار به بیمارستان کشید. در بیمارستان یک‌سرخه روزنامه بود که با کاریکاتور بزرگ رئیس مجلس، به ایشان کارنامه داده بود. مشغول خواندن روزنامه بودم که دوباره حالم بد شد.

در عالم هپروت - که فکر کنم برزخ شکموها باشد - دیدم آقای با شئل مشککی به سمت من می‌آید. دقت کردم و دیدم، عینکی هم هست.

هری پاتر بود. یک دفعه جوب‌دستی‌اش را به سر من زد و گفت، پاتریس لوموما و من در زمان و مکان حرکت کردم و به ۱۰۰ سال بعد، به جمع یک خانواده، پرتاب شدم.

همه اعضای آن خانواده از من ترسیدند.

خیلی سریع گفتم، ترسید ترسید، من یه روزنامه‌نگار ساده‌ام از ۱۰۰ سال قبل. پرسیدند اون چیه تو دستت؟ گفتم، یک روزنامه ساده!

گفت عکس کی روشه؟ گفتم، رئیس مجلس با کارنامه‌اش. گفت ۱۰۰ سال پیش که عکاسی اختراع شده بود، چرا کاریکاتور کشیده. گفتم اینها ابتکار دارند. گفت خُب بخونش. روزنامه را بخونش، ببینیم کارنامه رئیس مجلس تون چی بوده؟ راستش دلم نبودم جلوی غریبه‌ها از ضعف‌های کشور بگویم. گفتم خُب اینجا نوشته، بعضی وعده‌ها صددرصد محقق شده. مثلاً...

مثلاً افزایش مالیات عایدی بر سر مایه. پرسید بعش؟ گفتم، بعد نداره دیگه همین. گفت، یعنی بنظر شما افزایش مالیات یک دستاورد محسوب میشه، بدون اینکه مشخص بشه درآمد دولت کجا هزینه میشه؟ گفتم این چیزها به ما مربوط نمیشه. پرسید ولی اینکه شما چقدر درآمدتون افزایش داشته، به دولت مربوط میشه و باید از ش مالیات بگیره؟ به اعضای خانواده‌اش گفت، این مفید نیست و امشب اینو می‌خوریم! خانم، پیازداغ درست کن.

خیلی ترسیدم. ترس از اینکه ۱۰۰ سال دیگه دوباره آدم خوری در جوامع شیوع پیدا کنه، خیلی ترسناک بود. ترسناک‌تر این بود که ۱۰۰ سال بعد هم برای پختن گوشت، از پیازداغ استفاده می‌کردند و روش بهتری اختراع نشده بود. ضعف دانشمندان واقعاً آزارم می‌داد. گفتم یک فرصت دیگه بهم بده، به دستاورد دیگه بگم. گفت بخون. روزنامه را نگاه کردم و گفتم، «توجه به حوزه دانش بنیان» گفت، خُب بعش؟ گفتم چرا شما همه‌اش دنبال بعش هستی؟ توجه شده دیگه. قبش بپش توجه نمی‌شد، افسرده شده بود، الان داره بپش توجه میشه.

انسان آینده گفت، بعد شما به اینها رأی دادید؟ اینها از دهه‌ها سال قبل تاده‌ها سال بعد، وزیر وکیل بودند؟ حیف شب‌هایی که برای تأمین پروتئین، لوبیا خوردیم. اگر شما را خورده بودیم، نسل بشر نجات پیدا می‌کرد.

من که مسئول نجات جان بشر نبودم. انتخاب من هم در نهایت انتخاب بین لوبیا چشم‌پلبللی و لوبیا قرمز بود. سوسیس که نبود. در این انتخاب محدود مانده بودم و سعی می‌کردم هر شب بهترین تصمیم را بگیرم. نمی‌دانم کسی تابه‌حال شما را خورده یا نه. ولی خیلی تجربه ترسناکی بود. حتی اگر با لوبیا هم من را می‌خورند، تجربه ترسناکی نبود. ولی خُب همین که الان دارم اینها را می‌نویسم، مشخص می‌کند که آن انسان‌های آینده فقط یک کابوس بود. من هم از بیمارستان رهایی یافتم. فعلاً هم در دوره ترک لوبیا هستم. دستاوردهای مجلس و دولت هم خیلی زیاد است. آنقدر زیاد که قطعاً نسل بعدی و نسل‌های بعدی، مدام تصویر آقایان را می‌بینند و می‌گویند، نور به قمرشان بیارد. (این بزرگواران ان‌شاء‌الله زنده هستند و در آینده هم در قصری، جایی زندگی می‌کنند.)

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار، حرفه‌بینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آژسی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آژسی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



عبور قلعه‌نویی از مرد نقره‌ای؟

تیم ملی فوتبال ایران عصر امروز مقابل سوریه‌ای قرار می‌گیرد که سرمربی‌اش مشهور به ناکامی در فینال‌هاست



سپهر خرمی

خبرنگار ورزشی هم‌میهن

برابر هند، به پیروزی رسیدند تا برای نخستین بار در تاریخ به دور حذفی جام ملت‌ها صعود کنند و حریف ایران در دور یک‌هشتم نهایی بشوند. نکته جالب اما در مورد سرمربی آرژانتینی‌شان - هکتور کوپر - است. وبسایت winwin در خصوص یک موضوع جالب از کوپر چنین نوشت: تیم ملی فوتبال سوریه با هکتور کوپر، سرمربی سرشناس و آرژانتینی خود، بسیار تغییر کرده و به تیمی قابل احترام تبدیل شده است. فدراسیون فوتبال سوریه سخت در تلاش است تا قرارداد این سرمربی باتجربه را تمدید کند. عبدالرحمان خطیب، نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال سوریه، درباره دستمزد هکتور کوپر و تمدید قرارداد با این سرمربی گفت: درباره دستمزد کوپر رقم‌های عجیبی می‌گویند اما اصلاً اینگونه نیست. او در ماه ۳۴ هزار دلار حقوق دریافت می‌کند و به عبارت دیگر، دستمزد او ۴۰۸ هزار دلار در سال است. البته قول پاداش به این مربی؛ در صورت صعود از مرحله گروهی جام‌ملت‌ها، همچنین درخشش در انتخابی جام جهانی را داده‌ایم.

آمار بازی

قبل از شروع هر مسابقه‌ای، آمار تقابل‌های دو تیم می‌تواند تا حدودی مشخص کند کفه ترازو به سمت کدام تیم می‌چرخد. تیم ملی سوریه ۱۷ بار مقابل ایران بازی کرده که تنها یک‌بار ۵۰ سال پیش در سال ۱۹۷۳ به پیروزی رسیده است، ۱۱ بازی با نتیجه تساوی به پایان رسیده و ۵ بار، ایران برنده شده است. البته که سوریه در زمان هدایت کی‌روش، رفت‌وبرگشت توانست از ایران مساوی بگیرد.

قربانی دو جریان سیاسی

امیر قلعه‌نویی روز گذشته با حضور در نشست خبری پیش از بازی، بار دیگر گریزی به اتفاقات و حواشی جام ملت‌های ۲۰۰۷ زد، خودش را قربانی دو جریان سیاسی آن سال معرفی کرد و البته کنایه‌ای به عادل فردوسی‌پور هم زد؛ چراکه معتقد بود آن برنامه تلویزیونی با اجرای فردوسی‌پور صرفاً تسویه حساب شخصی بود که اجرا شد. قلعه‌نویی همچنین گفت: «جریانات سال ۲۰۰۷ - که یک مربی بدون شکست از سمت خود اخراج شده - را اگر به خبرنگاران خارجی بگویند، اصلاً باور نخواهند کرد اما من در شرایط سختی این مسئولیت را پذیرفتم و کنار رفتم.» در ادامه اما سرمربی تیم ملی ایران گفت، حتی با وجود غیبت کنعانی‌زادگان هم به دنبال برد است. ازسوی دیگر هکتور کوپر، سرمربی آرژانتینی سوریه نیز گفت که برای موفقیت سوریه‌ها، با به میدان می‌گذارد و اصلاً ترس نمی‌کند از نمایش خوب ایران در دور گروهی ندارد. کوپر که به مرد نقره‌ای مشهور است، گفت که دوست دارد با سوریه قدم‌به‌قدم پیش برود و در جام بماند؛ حتی اگر یکی از دیدارها مقابل تیم خوب ایران باشد.

تاریخ چه می‌گوید؟

هکتور کوپر در قامت سرمربی باشگاهی، در فینال مسابقات لیگ قهرمانان اروپا، یک‌بار مقابل بایرن و یک‌بار مقابل رئال مادرید شکست خورده است. در سال ۱۹۹۸ هم به‌عنوان سرمربی مایورکا در فینال سوپر جام شکست خورد تا لقب مرد نقره‌ای، برانزده او شود. کوپر پس از تلاش‌های باشگاهی به مسابقات ملی رفت. کوپر، سرمربی گرجستان شد و با کسب نتایج ضعیف، از سمتش کنار رفت. به مصر رفت تا این تیم را با محمد صلاح، جهانی کند. پس از ۴ سال قرار شد به ازبکستان برود تا در جام ملت‌های آسیا، همراه با گرگ‌های سفید باشد اما شکست در مرحله یک‌هشتم نهایی مقابل استرالیا، فرصت ادامه‌دادن را از او گرفت. تاریخ می‌گوید، سوریه در یک‌هشتم شکست می‌خورد، اما از طرف دیگر نتایج دوران مربیگری کوپر می‌گوید، حداقل تا فینال می‌رود و آنجا می‌بازد.

مرد نقره‌ای علیه ایران

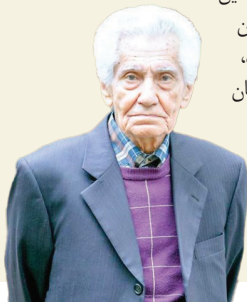
تیم ملی فوتبال سوریه در جام ملت‌های آسیا، عملکرد بسیار خوبی داشته و توانسته برای اولین بار به مرحله یک‌هشتم پایانی صعود کند. زمانی صعود سوریه‌ها به یک‌هشتم اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم این تیم با استرالیا و ازبکستان هم‌گروه بوده که در نیکینگ فیفا، از سوریه کیفیت بهتری دارند. این تیم در دیدار برابر استرالیا، نمایش خوبی داشت؛ هر چند با یک گل شکست خورد. سوریه‌ها توانستند برابر ازبکستان، یک تساوی را به دست آورند و در دیدار پایانی هم با یک گل

چهره

ویراستار ماندگار

فروردین‌ماه همین امسال بود که به‌دلیل کوله‌تسن، در منزل خود بدرود حیات گفت. ۱۰۳ سال زیست؛ زیستنی پربار و برکت. احمد سمیعی (گیلانی) ۱۱ بهمن‌ماه ۱۲۹۹ در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در این شهر گذراند، سپس وارد دانشگاه تهران شد. اواخر دهه ۱۳۴۰ به‌عنوان ویراستار در مؤسسه انتشارات فرانکلین آن زمان مشغول خدمت شد و به موازات آن، دوره کارشناسی ارشد زبان‌شناسی را در دانشگاه تهران گذراند. او کنار حرفه ویراستاری، چند کتاب در زمینه آیین نگارش و ویرایش تألیف و مقاله‌های ارزشمندی در مجلات متعددی نظیر پیک جوانان، کتاب امروز و رودکی منتشر کرد. این

استاد فقید ادبیات، ترجمه را با برگرداندن رمان «لدلدار و دلباخته» از ژرژ سانده، شروع و در ادامه، آثاری را از نویسندگان بزرگی مانند ژرژ پرک و گوستاو فلوبر به فارسی ترجمه کرد. او «کومان‌دور»، بالاترین نشان نخل آکادمیک فرانسه را در کارنامه‌اش داشت.



کتابخانه

زمین‌لرزه‌های سیاسی در اروپا

«جنگ جهانی اول»، نوشته رابرت گرین، با ترجمه مهدی حقیقت‌خواه نام کتابی ۱۲۴ صفحه‌ای است که با قیمت ۱۲۰ هزار تومان توسط انتشارات ققنوس منتشر شده است. جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ به‌پایان قتل فرانتس فردیناند، ولیعهد و وارث تاج و تخت امپراطوری اتریش - مجارستان در ساریوو آغاز شد. قاتل از صرب‌های بوسنی و عضو جنبش زیرزمینی بود که برای استقلال این کشور با امپراطوری اتریش - مجارستان مبارزه می‌کرد. این قتل ممکن بود در حد حادثه‌ای کنترل‌شده باقی بماند اما چنین نشد و کشورها را یکی پس از دیگری درگیر کرد. در حالی که قدرت‌های بزرگ اروپا - بریتانیا، فرانسه و روسیه در یکسو و آلمان و اتریش - مجارستان در سوی دیگر - می‌گفتند، تنها خواهان صلح هستند ولی عملاً خود را برای جنگ آماده می‌کردند. اروپا به کانون زمین‌لرزه‌ای سیاسی تبدیل شد و موج‌های ضربه‌ای آن به سرعت به بیرون گسترش یافت و به تمام نقاط جهان رسید. این درگیری در تاریخ به جنگ جهانی اول یا جنگ بزرگ مشهور شد و کشورهای اندکی در این جنگ از آسیب‌های آن مصون ماندند؛ موضوعی که رابرت گرین در «جنگ جهانی اول» به آن پرداخته است.



جنگ جهانی اول

نویسنده:

رابرت گرین

مترجم: مهدی

حقیقت‌خواه

انتشارات: ققنوس

تاریخ

تبعید تروتسکی



یکی از معروف‌ترین مثال‌ها برای اثبات این گزاره که «انقلاب فرزندان خود را می‌خورد»، لئون تروتسکی است. او در سال ۱۸۷۹ در خانواده‌ای یهودی و ثروتمند به دنیا آمد و در جریان انقلاب ۱۹۱۷ روسیه،

از نزدیک‌ترین یاران لنین به‌شمار می‌رفت و در مدیریت ارتش سرخ و وزارت جنگ، نقشی ویژه داشت. او از نخستین اعضای دفتر سیاسی نیز بود و بعد از مرگ لنین، با استالین دچار اختلاف‌نظرهای جدی شد. تروتسکی از سیاست صنعتی کردن سریع کشور و تشدید فعالیت‌های انقلابی در صحنه بین‌المللی (انقلاب جهانی)، حمایت می‌کرد. استالین و هوادارانش اما نظریه «سوسیالیسم در کشور واحد» را ارائه دادند که به‌معنای اولویت تحکیم اوضاع داخلی و مماشات با کشورهای غرب بود. در نهایت با بالا گرفتن اختلافات و پس از آنکه تروتسکی درصد تشکیل اپوزیسیون برآمد، او و سایر اعضای شناخته‌شده این گروه، از حزب اخراج، تبعید و زندانی شدند. تروتسکی در سال ۱۹۲۷، استالین را «گورکن انقلاب» نامید و پس از آن، در ۳۱ ژانویه ۱۹۲۸ به آلمان تبعید و در فوریه ۱۹۲۹ از اتحاد جماهیر شوروی اخراج شد. در سال ۱۹۴۰ نیز در مرکزیک به دست نیروهای استالین، به قتل رسید.